

# خاطرات منتظری؛ ارزیابی و نقد آن

قسمت اول

- امام وقتی آقای منتظری را عزل کردند، هیچکس درصدد نفی گذشته آقای منتظری برنیامد. تلاشها براین بود که او از دست گروه مهدی هاشمی و اطرافیان نامطلوبش – حداقل از دیدگاه امام – رهایی یابد و موقعیت وی حفظ شود**

**متن اصلی خاطرات پیشگفتار**
آگاهی از زندگی شخصیت‌های سخت‌کوش و تاریخ‌ساز و بهره‌گیری از اندوخته‌ها و تجربیات علمی-عملی آنان، و نیز گزارش وقایع تاریخی آن‌گونه که به وقوع پیوسته است برای نسلهای آینده از زبان و بیان گرداندگان و پدیدآوردندگان آن، چیزی نیست که اهمیت آن برهیچ خردمندی پوشیده باشد؛ بویژه اگر ما در شرایط و زمانه‌ای قرار گرفته باشیم که برخی تلاشها پروازگونه جلوه دادن، به فراموشی سپردن و سرپوش نهادن بر حقایق مسلم تاریخی متمرکز شده‌باشد.

[دوست و هم مباحثه شهید

**پیشگفتار خاطرات آقای منتظری. در واقع یک پیش پرده تبلیغاتی است. که بجای بیطرفی و بیان علمی به موضعگیری بدون استدلال و اشاره به امورپرداخته است. یعنی چون نظر به تبلیغات و اشاره به مواضعی است که تدبیر لازم را درجهت حفظ احترام و قناعت نمی‌کند. بکارگیری واژه «مظلوم» برای وی یکی دیگر از مواردی است که خواننده را معتمدی‌سازد که این نوشته برای تبلیغ یکطرفه آقای منتظری، و مظلوم نمایاندن او، و طبعاً ظالم دانستن دیگران تهیه شده است. و همین امر از ارزش خاطرات بعنوان ثبت وقایع بشدت می‌کاهد.**

بزرگوار آیت‌الله مطهری که سالیان

درازی با ایشان هم حجره بوده و بیش از همه با ایشان مراوده و آشنایی داشته است.

[مبارز و مجاهدی خستگی ناپذیری که در کنار استاد بزرگوارش آیت‌الله العظمی امام خمینی (قدس سره) به مبارزه با رژیم استبدادی شاهنشاهی پرداخته و اطلاعات گسترده‌ای را از نیروهای مبارز و چگونگی شکل‌گیری هسته‌های اولیه انقلاب اسلامی در خاطر دارد.

[نماینده تام‌الاختیار آیت‌الله العظمی امام خمینی (قدس سره) پس از تبعید معظم‌له به نجف اشرف که نقش محوری مبارزه را در ایران به عهده گرفته و در کنار دیگر نیروهای انقلاب در زمان غربت انقلاب پرچم مبارزه را برافراشته نگاه داشته است.

[زندانی و تبعیدی سالهای ستم که خاطرات تلخ و شیرین منحصر به فردی از تبعیدها و زندانهای مکرر خود دارد.

[پدر بزرگوار قهرمان مبارزات بین‌المللی اسلامی شهیدحجه‌الاسلام محمد منتظری] که خاطرات ویژه‌ای از آن شهید بزرگوار و دیگر شهدای راه آزادی همچون شهید بزرگوار آیت‌الله سعیدی دارد.

[عضو برجسته شورای انقلاب] که در روزهای نخست پیروزی از سوی رهبر انقلاب حضرت امام خمینی (قدس سره) برای جهت‌دهی و پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی برگزیده شده است.

[رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران] که از سوی مردم تهران و سپس از طرف

استاد بزرگوار در این گفتگو به

عنوان:

لن‌جویانی که دوران استبداد رضاخان را درک کرده و خاطرات فراموش‌ناشدنی و تلخی را از آن دوران سیاه در خاطر دارد.]

[طلبه خوش استعدادی که در حوزه‌های علمیه اصفهان و قم درس خوانده و با اساتید و بزرگان این دو حوزه و روش تدریس آنها آشنایی کامل یافته است.]

[شاگرد میرز آیت‌الله العظمی بروجردی که تقریر درسهای ایشان را نوشته و مورد عنایت معظم‌له بوده است.

## نقد خاطرات

**پیشگفتار**

پیشگفتار خاطرات آقای منتظری، در واقع یک پیش پرده تبلیغاتی است. که بجای بیطرفی و بیان علمی به موضعگیری بدون استدلال و اشاره به امورپرداخته است.

یعنی چون نظر به تبلیغات و القاء دیدگاه‌های تنظیم‌کنندگان دارد با ابهام در وقایع و ذکر کلی نتیجه‌گیری دلخواه را کرده است.

اولین موضعگیری اینست که «شرایط و زمانه را بگونه‌ای ترسیم می‌کند که تلاش‌ها به‌واژگونه جلوه دادن، به فراموشی سپردن و سرپوش نهادن

بر حقایق مسلم تاریخی متمرکز شده است.»

درحالی‌که شرایط و زمانه اینطور نبود. امام وقتی آقای منتظری را عزل کردند، نامه ۶۸/۶۷ایشان هم منتشر نگردید؛ هیچکس در صدد نفی گذشته آقای منتظری برنیامد. تلاش‌ها براین بود که او از دست گروه مهدی هاشمی و اطرافیان نامطلوبش - حداقل از دیدگاه امام - رهایی یابد و موقعیت وی حفظ شود.

رنجنامه مرحوم حاج سید احمد آقای خمینی، و کتاب آقای ری شهری زمانی منتشر شد که اطرافیان منتظری و شبنامه‌ها به متهم کردن حاج سید احمد به جعل نامه از طرف امام، و متهم کردن وزارت اطلاعات که مسئول آن آقای ری شهری بود رو آورده و فضا را آکنده کرده بودند. هنوز هم تلاش می‌شود احترام سوابق و کهلوت آقای منتظری حفظ شود و این خود آقای منتظری است که تدبیر لازم را درجهت حفظ احترام و قناعت نمی‌کند. بکارگیری واژه «مظلوم» برای وی یکی دیگر از مواردی است که خواننده را معتمدی‌سازد که این نوشته برای تبلیغ یکطرفه آقای منتظری، و مظلوم نمایاندن او، و طبعاً ظالم دانستن دیگران تهیه شده است. و همین امر از ارزش خاطرات بعنوان ثبت وقایع بشدت می‌کاهد.

بدهی است کسی منکر نقش آقای منتظری در حد خودش و نه فراتر از آنچه هست و نه کمتر از آنچه بوده است نیست. و کسی مخالف آشنایی با خاطرات وزندگینامه وی نیز نمی‌باشد. از اینرو فرازهای آمده در پیشگفتار با توضیحات ضروری در موارد زیر موردقبول است.

جویانی که استبداد تلخ رضاخانی را درک کرده، طلبه خوش استعداد و درس خوانده درحوزه‌ها، شاگرد میرز مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی، دوست و هم مباحثه شهید آیت‌الله مطهری، مبارز و مجاهد خستگی‌ناپذیر در نهضت امام خمینی و تحت رهبری امام (ونه درکنار باهمعرض امام)، نمایندگی از امام با اختیارات در دوران تبعید، (که البته نقش محوری مبارزه راه‌رگرو در دیران برعهده نداشتند است ولی نقش مؤثری داشته است)، زندانی و تبعیدی سالهای ستم‌ستمشاهی، که البته علماء و بزرگان دیگر هم تبعید و زندانی بوده‌اند.

اما در موارد دیگر نیاز به توضیح است:

آقای منتظری هم رزم و همسنگر مرحوم آیت‌الله طالقانی نبود و مشی مبارزاتی او با دو هم متفاوت بود اما هر دو مبارزه حضور داشتند.

وی پدر شهید محمد منتظری است. و شهید محمد منتظری، فردی مخلص و مبارز با بیگانگان و دشمنان اسلام در صحنه بین‌المللی بود. اما عنوان پدر بزرگوار قهرمان مبارزات بین‌الملل اسلامی، بیشتر رنگ و بوی تبلیغات دارد تا واقعیت.

عضویت در شورای انقلاب، امری مسلم است. اما شورای انقلاب مجموعه‌ای از عناصر گوناگون از شهدای بهشتی و مطهری تا افراد لیبرال بود. و اتفاقاً آقای منتظری در این شورا از طرف امام برای جهت‌دهی و پیشبرد انقلاب اسلامی، برگزیده نشده بود زیرا امام، خود وضع آن شورا و نیز ویژگیهای آقای منتظری را بخوبی می‌شناخت.

وی پایه‌گذار اقامه نماز جمعه درانقلاب نیست. آقای منتظری قبل از پیروزی انقلاب، و نظرقه‌ی در برپایی نماز جمعه داشت و حتی در زندان اوین درسال ۵۵ تصمیم به اقامه نماز جمعه گرفت که برخی فقهاء در زندان از این نظر که چون آنها زندانی و غیرمبسوط البید هستند، ورژیم مانع می‌شود و یا باید از رژیم اجازه گرفت و جایز نیست با آن مخالفت داشتند و بالاخره دو سه نماز جمعه در داخل بند از زندان اوین دراطاق شماره ۲ برگزار شد. که بعد ساواک جلوی آن را گرفت.

اما این امر غیر از پایه‌گذاری نماز جمعه درانقلاب اسلامی است. پایه‌گذار نماز جمعه درانقلاب اسلامی پس از پیروزی انقلاب، امام خمینی (ره) است

که مرحوم آیت‌الله طالقانی را به امامت جمعه تهران منصوب کردند.

قائم مقام رهبری، آقای منتظری از طرف مجلس خبرگان و به پیشنهاد مرحوم آیت‌الله آذری قمی به این مسئولیت برگزیده شد و مردم نیز اعتراضی نکردند. عبارت پیشگفتار که نوشته است: «قائم مقام رهبری که به عنوان دوم شخص انقلاب از سوی قاطبه ملت ایران و سپس از سوی مجلس خبرگان برای این منصب شناخته

شد و چندین سال در این سنگر مورد مراجعه مردم بوده است.

فرهیختگان و برگزیدگان ملت برای

این مسئولیت خطیر انتخاب شده است.

اپایه‌گذار اقامه نماز جمعه در انقلاب] که پیش از انقلاب و پس از آن بیش از هر کس بر اقامه این فریضه عبادی-سیاسی تأکید ورزیده است.

قائم‌مقام رهبری] که به عنوان دوم شخص انقلاب از سوی قاطبه ملت ایران و سپس از سوی مجلس خبرگان برای این منصب شناخته شد و چندین سال در این سنگر مورد مراجعه مردم بوده است.

## تاریخ

پنج‌شنبه ۲۰ دی ۱۳۸۰ ۹



حضرتش می‌باشد.
و در نهایت لپیر مردی تلخی روزگار چشیده و فراز و نشیب‌های فراوان دیده با کوله‌باری از تجربه‌که اکنون ۷۸سال از عمر سراسر تلاش و کوشش خودرا پشت سر گذاشته و در این گفتگو به راهنمایی و اندرز فرزندان فکری و معنوی خویش پرداخته است و…

اکنون این شخصیت بزرگوار با ما و با آیندگان به گفتگو نشست است؛ و در این میان ما فقطگزارشگری هستیم که در حد امکانات و اطلاعات خود کوشیدیم بطرح پرسشهایی خاطرات گذشته را در ذهن استاد زنده کنیم، و در ارتباط بانکات مفید و نقاط مهم مورد

**وقتی قائم مقام همراهی با مقام ندارد، خود بخود از قائم مقامی برکنار است؛ و یابرکنار می‌شود. و این مظلومیت نیست؛ بلکه آن مقام مظلومیت دارد که قائم مقامش بجای همراهی با او درمقابلش می‌ایستد و از موضع قائم مقامی، علیه نظریات و سیاست‌های او اقدام می‌کند.**

نیاز تاریخ و جامعه پاسنخ‌های معظم‌له را به رشته تحریر کنیم و آن را برای آیندگان به یادگار گذاریم.

در تهیه این مجموعه دو مشکل اساسی همواره رخ می‌نمود: نخست اینکه استاد در ارتباط

با کارهایی که مربوط به تعریف از خودشان می‌شد به سختی سخن می‌گفتند و به حداقل گفتار اکتفا می‌کردند، و نیز هر جا سخن به تقیص، سستی‌ها و کارشکنی‌های برخی افراد می‌رسیدلب فرو می‌بستند و با اصرار گاهی تنها به اشاره‌ای اکتفا می‌فرمودند؛ دیگر اینکه مآتها در محدوده خواننده‌ها و شنیده‌های خویش از استاد پرسش می‌کردیم، و از تحلیل وقایع و مسائل پشت پرده حوادث و از آنچه در زوایای ذهن و زندگی استاد گذشته بود آگاهیهای چندانی نداشتیم، از این رو آنچه در این مجموعه گرد آمده است، فقط بخشی از خاطراتی است که ارائه‌ان در این شرایط برای ما میسر بوده است، و الی‌مسور لا یرک بالمعسور] امید است در فرصتهای مناسب آگاهیهای گسترده‌تری از خاطرات و دیدگاه‌های این فقیه عالیقدر در اختیار پژوهشگران قرار گیرد.

توجه به چند نکته:

۱- پیوسته‌هایی که در ارتباط با هر فصل ارائه گردیده مدارک و اسنادی است که از سوی استاد بزرگوار تصویر آن در اختیار ما قرار گرفته و اصل آن نزد معظم‌له موجود می‌باشد.
۲- بسیاری از اسناد و مدارک در ارتباط با زندگینامه و دیدگاه‌های معظم‌له در کتابهای (صحیفه نور)، لبرسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی]، فقیه عالیقدر]، لواقعیتها و قضائونها] و نیز اسناد انقلاب اسلامی] لزو نامه‌های کثیرالانتشار]، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی دوران قائم مقامی معظم‌له، لغفالات]، ا تک نگاریها] و [کتابهای

برای این منصب شناخت شد» صحیح نیست؛ زیرا قبل از انتخاب مجلس خبرگان، هیچگونه اقدامی یا عملی که از طرف قاطبه ملت ایران برای اینکه آقای منتظری دوم شخص انقلاب باشد صورت نگرفته است و این عبارت، تنها یک شعار تبلیغاتی است که برای مقاصد سیاسی تهیه کنندگان جزوه خاطرات مطرح شده است. این نوع ادعاها و شعارهاست که خاطرات را از یک خاطرات مستند به یک جزوه تبلیغاتی که اصرار در القاء دیدگاه‌های خود دارد تنزل داده است.

صفت «مظلوم‌ترین شخصیت سیاسی» یک ادعای بدون استناد است. زیرا علل این مظلومیت ادعائی بیان نشده است. تنها آمده است «که در مقطعی از زمان، برای برکناری وی از صحنه سیاست، بیشترین اتهامات را متوجه وی کردند.»

اگر این موضوع صحیح باشد، موجب نمی‌شود که وی مظلوم‌ترین شخصیت سیاسی شود؛ زیرا هر فرد سیاسی همواره در معرض برکناری از سیاست است.

بویژه که آقای منتظری بعلت رفتار و گفتار خود، و عدم توجه به اینکه او قائم مقام رهبری است و قائم مقام باید تابع مقام باشد زیرا خود دارای مسئولیت مستقلی نیست بلکه قائم آن مقام مسئول است. که در موارد ارجاعی از طرف مقام یاد درغیاب او وظائف وی را انجام می‌دهد. ولی آقای منتظری بجای آنکه برای امام قائم مقام باشد. مدعی امام شد و در این خاطرات نیز خود اعتراف و اذعان دارد که به امام در مقابل سخنان یا سیاست‌های وی این مطالب را گفتیم و امام توجه نکرد!!

بنابراین وقتی قائم مقام همراهی با مقام ندارد، خود بخود از قائم مقامی برکنار است؛ و یابرکنار می‌شود؛ و این مظلومیت نیست؛ بلکه آن مقام مظلومیت دارد که قائم مقامش بجای همراهی با او درمقابلش می‌ایستد و از موضع قائم مقامی، علیه نظریات و سیاست‌های او اقدام می‌کند.

عبارت «استاد شناخته شده فقه و اصول و… و تنها مدرس که یک دوره کامل مسأله ولایت فقیه و فقه دولت اسلامی تدریس کرده»، گرچه دارای مبالغه است اما اینکه وی مدرس حوزه و چهره شناخته شده ایست و نیز اینکه کتابی در ولایت فقیه نوشته است را کسی انکاری نکرده نمی‌کند. گرچه بعضی می‌پرسند کسی که آن مباحث را در ولایت فقیه عادل دارد چرا خود به آن عمل نکرده است؟ البته در فرهنگ اسلام ارزش علم محفوظ است لکن عالم با لعل را امر دم‌پذیرانیستند.

عبارت «مرجع محترمی که مورد عنایت قاطبه مردم است» بیشتر یک شعار تبلیغاتی بنظرمی‌آید. قاطبه مردم ایران به شهادت افکار و حضور آنها و نیز قرائن و امامرات و حضور در ورود امام به ایران و در تشیع پیکر او و نیز حضور در سالگرد رحلتش، معتقد به امام خمینی هستند. دیدگاه امام نسبت به آقای منتظری کاملاً معلوم است.

بنابراین قاطبه مردم عنایت به امام خمینی دارند نه به کسی که امام او را عزل کرده و چشم‌های پاکش پرخون از او است. و از خداوند طلب مرگ کرده است تا شاهد اعمال وی نباشد.

در پیشگفتار به دو شکل اساسی در تهیه خاطرات اشاره شده است. اول اینکه استاد در تعریف به سختی سخن گفته است. دوم اینکه در مورد تقیص دیگران لب فرو می‌بستند و گاه به اشاره آن اکتفا می‌فرمودند.

درحالی که در خاطرات خلاف این دو نظر فراوان وجود دارد. و بنظر می‌رسد مشکلی در بین نمی‌ماند و یا نبوده است. به موارد خلاف این دو نظر، در طول ارزیابی خاطرات اشاره خواهد شد.

در بند ۴ نیز ادعا شده که ایشان اصرار داشتند همه مطالب ثبت شود هر چند که خود ایشان را زیر سؤال برد و واقعیت‌ها حفظ شود.

این ادعا متأسفانه در خاطرات، برعکس عمل شده است و موارد آن را خواهیم نوشت.

همچنین در بند ۵ ادعا شده که «ما در این مجموعه به هیچ وجه درصدد قهرمان‌سازی و مطلق کردن افراد نمی‌باشیم» که در همین پیشگفتار، خلاف این ادعا کاملاً مشخص است.

پایان پیشگفتار نیز سخنی است که تلخند برب می‌نشانند. زیرا علیرغم این که این خاطرات به شبکه جهانی اینترنت داده شده، و رسانه‌های بیگانه و برخی نشریات معاند با انقلاب اسلامی ایران آن را تبلیغ کرده‌اند و در داخل نیز بصورت زیرکسی در اختیار افرادی که مایل بوده‌اند گذاشته شده است. با این حال تهیه کنندگان آن اظهار اموداری می‌کنند که این خاطرات بدست ناهلان و نامحرماتی که از دور هم دستی بر آتش نداشته‌اند به فراموشخانه‌های تاریخ و انبارهای متروک سپرده نشود.»

مجموع این مسائل در پیشگفتار و پس از خاطرات در حد یک جزوه تبلیغی تعصب آمیز تنزل داده است. بهترین روش برای آقای منتظری و تهیه کنندگان این بود که مطالب راه‌طور می‌خواستند، بدور از تبلیغات و القاءات می‌گفتند و قضاوت را به خوانندگان می‌سپردند.

ایشان در هاله‌ای از ابهام فرو رفته است. استاد شناخته شده فقه و اصول،

راجع به مساله ولایت فقیه و فقه دولت اسلامی تدریس کرده] که درسهای ایشان به صورت چهار جلد کتاب نفیس به طبع رسیده است

و به عنوان کتاب مرجع مورد استفاده اهل تحقیق می‌باشد.
مرجع محترمی که مورد عنایت قاطبه مردم است] و فتاوی راهگشا و رساله عملیه و مناسک حج و حاشیه عروه و رساله استفتائات معظم‌له مورد استفاده مقلدین

مظلوم‌ترین شخصیت سیاسی] که در مقطعی از زمان برای برکناری وی از صحنه سیاست، بیشترین

**مجموع این مسائل در پیشگفتار و در طول خاطرات، ارزش علمی این خاطرات را در حد یک جزوه تبلیغی تعصب آمیز بدون استدلال و سراسر ادعا تنزل داده است. بهترین روش برای آقای منتظری و تهیه کنندگان این بود که مطالب را هر طور می‌خواستند، بدور از تبلیغات و القاءات می‌گفتند و قضاوت را به خوانندگان می‌سپردند.**

فلسفه، کلام، نهج‌البلاغه و حدیث] که شاگردان بسیار و بزرگانی را

درسی مدارس] و… آمده است که برای هر پیز از اطاله کلام از درج آنها در این مجموعه خودداری نموده‌ام، و در حقیقت این مجموعه را می‌توان مکمل و ادامه آنها محسوب نمود.

۳- بی‌تردید اگر پرورنده ساواک معظم‌له در اختیار ما می‌بود نکات جدید و مهم دیگری بر این مجموعه افزوده می‌شد که در شناخت زوایای

ناشناخته تاریخ انقلاب و شخصیت معظم‌له و نقش منحصر به فرد ایشان در مبارزات ملت مسلمان ایران، و نیز درک میزان حساسیت ساواک شاه نسبت به ایشان افق جدیدی را روشن می‌نمود؛ بدین امید که در آینده مجموعه آن اسناد در اختیار

**وقتی قائم مقام همراهی با مقام ندارد، خود بخود از قائم مقامی برکنار است؛ و یابرکنار می‌شود. و این مظلومیت نیست؛ بلکه آن مقام مظلومیت دارد که قائم مقامش بجای همراهی با او درمقابلش می‌ایستد و از موضع قائم مقامی، علیه نظریات و سیاست‌های او اقدام می‌کند.**

نیاز تاریخ و جامعه پاسنخ‌های معظم‌له را به رشته تحریر کنیم و آن را برای آیندگان به یادگار گذاریم.

در تهیه این مجموعه دو مشکل اساسی همواره رخ می‌نمود: نخست اینکه استاد در ارتباط

با کارهایی که مربوط به تعریف از خودشان می‌شد به سختی سخن می‌گفتند و به حداقل گفتار اکتفا می‌کردند، و نیز هر جا سخن به تقیص، سستی‌ها و کارشکنی‌های برخی افراد می‌رسیدلب فرو می‌بستند و با اصرار گاهی تنها به اشاره‌ای اکتفا می‌فرمودند؛ دیگر اینکه مآتها در محدوده خواننده‌ها و شنیده‌های خویش از استاد پرسش می‌کردیم، و از تحلیل وقایع و مسائل پشت پرده حوادث و از آنچه در زوایای ذهن و زندگی استاد گذشته بود آگاهیهای چندانی نداشتیم، از این رو آنچه در این مجموعه گرد آمده است، فقط بخشی از خاطراتی است که ارائه‌ان در این شرایط برای ما میسر بوده است، و الی‌مسور لا یرک بالمعسور] امید است در فرصتهای مناسب آگاهیهای گسترده‌تری از خاطرات و دیدگاه‌های این فقیه عالیقدر در اختیار پژوهشگران قرار گیرد.

توجه به چند نکته:

۱- پیوسته‌هایی که در ارتباط با هر فصل ارائه گردیده مدارک و اسنادی است که از سوی استاد بزرگوار تصویر آن در اختیار ما قرار گرفته و اصل آن نزد معظم‌له موجود می‌باشد.
۲- بسیاری از اسناد و مدارک در ارتباط با زندگینامه و دیدگاه‌های معظم‌له در کتابهای (صحیفه نور)، لبرسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی]، فقیه عالیقدر]، لواقعیتها و قضائونها] و نیز اسناد انقلاب اسلامی] لزو نامه‌های کثیرالانتشار]، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی دوران قائم مقامی معظم‌له، لغفالات]، ا تک نگاریها] و [کتابهای

نیاز تاریخ و جامعه پاسنخ‌های معظم‌له را به رشته تحریر کنیم و آن را برای آیندگان به یادگار گذاریم.

در تهیه این مجموعه دو مشکل اساسی همواره رخ می‌نمود: نخست اینکه استاد در ارتباط

با کارهایی که مربوط به تعریف از خودشان می‌شد به سختی سخن می‌گفتند و به حداقل گفتار اکتفا می‌کردند، و نیز هر جا سخن به تقیص، سستی‌ها و کارشکنی‌های برخی افراد می‌رسیدلب فرو می‌بستند و با اصرار گاهی تنها به اشاره‌ای اکتفا می‌فرمودند؛ دیگر اینکه مآتها در محدوده خواننده‌ها و شنیده‌های خویش از استاد پرسش می‌کردیم، و از تحلیل وقایع و مسائل پشت پرده حوادث و از آنچه در زوایای ذهن و زندگی استاد گذشته بود آگاهیهای چندانی نداشتیم، از این رو آنچه در این مجموعه گرد آمده است، فقط بخشی از خاطراتی است که ارائه‌ان در این شرایط برای ما میسر بوده است، و الی‌مسور لا یرک بالمعسور] امید است در فرصتهای مناسب آگاهیهای گسترده‌تری از خاطرات و دیدگاه‌های این فقیه عالیقدر در اختیار پژوهشگران قرار گیرد.

توجه به چند نکته:

۱- پیوسته‌هایی که در ارتباط با هر فصل ارائه گردیده مدارک و اسنادی است که از سوی استاد بزرگوار تصویر آن در اختیار ما قرار گرفته و اصل آن نزد معظم‌له موجود می‌باشد.

۲- بسیاری از اسناد و مدارک در ارتباط با زندگینامه و دیدگاه‌های معظم‌له در کتابهای (صحیفه نور)، لبرسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی]، فقیه عالیقدر]، لواقعیتها و قضائونها] و نیز اسناد انقلاب اسلامی] لزو نامه‌های کثیرالانتشار]، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی دوران قائم مقامی معظم‌له، لغفالات]، ا تک نگاریها] و [کتابهای

نیاز تاریخ و جامعه پاسنخ‌های معظم‌له را به رشته تحریر کنیم و آن را برای آیندگان به یادگار گذاریم.

در تهیه این مجموعه دو مشکل اساسی همواره رخ می‌نمود: نخست اینکه استاد در ارتباط